

بررسی تعیین‌کننده‌های توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی شهر قزوین (مورد مطالعه: باغ‌نشاط)

اکبر طالب‌پور^۱، سیمین محمدزاده روحی^۲

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی اغلب در مکان‌های تجمع مهاجرین روستایی و فقرای شهری، در اثر توسعه روزافزون شهر و ناتوانی مدیریت شهری در تأمین به‌موقع نیاز به مسکن شکل می‌گیرند. این مناطق خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه و پیشرفت شهری قرار دارند و افراد بدون اجازه در درون یا بیرون از محوطه‌ی قانونی شهرها اقدام به ساخت سکونتگاه می‌کنند این سکونتگاه‌ها عموماً سند مالکیت رسمی ندارند و از خدمات و زیرساخت‌های شهری بی‌بهره هستند. عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری و عدم توجه مسئولین شهری به این محلات منجر به جدایی‌گزینی محلی ساکنین و پیدایش انواع ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. امروزه در کنار پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، لزوم توجه به توانمندسازی ساکنین چنین محلاتی در راستای افزایش تاب‌آوری محله‌ای باعث شده است تا ساماندهی محلاتی از این دست در کانون توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد، پژوهش حاضر با عنایت به این امر و با هدف کمک به مدیران شهری و بهبود وضعیت محلات شهر قزوین به بررسی و سنجش میزان گرایش ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط به توانمندسازی و سنجش عوامل مؤثر بر گرایش به توانمندسازی ساکنین این محله بر اساس نظریه‌های توانمندسازی پرداخته است. جامعه آماری پژوهش ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط قزوین بودند که ۳۴۱ نفر از آنها به‌عنوان نمونه آماری با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان داد؛ میانگین گرایش به توانمندسازی در بین ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط بالاتر از حد متوسط

۱-دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

a.talebpour@alzahra.ac.ir

siminmroohi@gmail.com

۲- کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۵/۴

تاریخ وصول ۱۴۰۲/۱/۳۱

است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان دادند؛ عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی به ترتیب بیشترین اثر را بر گرایش به توانمندسازی ساکنین بر عهده‌دارند و در مجموع این چهار عامل ۲۷ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق را تبیین نمودند.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، گرایش به توانمندسازی، اسکان غیررسمی، باغ‌نشاط.

مقدمه و بیان مسئله

سکونتگاه‌های غیررسمی بازتابی از فقر شهری تلقی می‌شوند که این نمود را می‌توان در گسست کالبدی پاره‌ای از نواحی مسکونی از پیکره کل‌شهر و در چارچوب کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری، اجتماعی، کیفیت سکونت و از سوی دیگر به حاشیه رانده شدن و انزوای اجتماعی پاره‌ای از گروه‌ها در این‌گونه سکونتگاه‌ها مشاهده کرد. درباره ساکنان این سکونتگاه‌ها پیش‌داوری‌های گوناگونی وجود دارند؛ برخی آنان را از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی بررسی نموده و با اتخاذ نگرش امنیتی ساکنان این سکونتگاه‌ها را افرادی هنجارشکن و بزهکار معرفی می‌کنند، دیدگاهی دیگر پیدایش این سکونتگاه‌ها را ناشی از مهاجرت‌های روستا - شهری ارزیابی می‌کنند که ساکنین به دلیل عدم برخورداری از توانمندی حرفه‌ای لازم و سطح درآمد کافی، قادر به یافتن جایگاه مناسبی در اقتصاد شهری نبوده و از همین‌رو به حرفه‌های غیرمولد وابسته به کلان‌شهر در بخش‌های غیررسمی اقتصاد روی آورده و در سکونتگاه‌های پیرامون شهرها ترکیبی از کار و زندگی برای خانواده خودشان فراهم می‌آورند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

از منظر تاریخی می‌توان اذعان نمود که جامعه ایرانی در حالی با ساختار سنتی خود، پا به عرصه جهان مدرن گذاشت که تمهیدات لازم برای روبرو شدن با چالش‌های جهان نوین سرمایه‌داری را نداشت، بنابراین طبیعی بود که در چنین بستری اسکان خودرو و غیررسمی نمود بیشتری داشته‌باشد و این سکونتگاه‌ها با گسست کالبدی از شهر، نوعی گسست اجتماعی و اقتصادی را تجربه نمایند. سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه همانند کشور ایران، بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است. این رشد شتابان،

مسائل و معضلات بسیاری برای این شهرها به دنبال داشته است. در این میان اسکان غیررسمی به‌عنوان آیینی تمام‌نمای مسائل شهری جایگاه و اهمیت خاصی در مطالعاتی از این دست دارد. براساس گزارش دبیرخانه ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار در سال ۱۴۰۱ بیش از شش میلیون نفر از جمعیت کشور در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند (روزنامه شرق، دوم آبان ۱۴۰۲).

رشد یک‌باره و قارچ‌گونه شهرها در مجموعه سکونتگاه‌های شهری جوامع کمتر توسعه‌یافته در پی گسترش انباشت سرمایه‌داری جهانی، موجب مهاجرت گسترده از پیرامون که عمدتاً روستاییان فقیر و بدون شغل و تخصص بودند، به شهرها شده است (قادمرزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴).

انواع معضلات اجتماعی از قبیل؛ فقر، فحشا، بی‌هویتی، بیکاری، بد مسکنی و بالاخره پیدایی سکونتگاه‌های غیررسمی از نتایج مهاجرت مهاجرین است که معمولاً این مسائل اجتماعی در مبدأ مهاجرت وجود ندارد اما در مقصد مهاجرت مهاجرین را گرفتار خود می‌سازند (داوودپور، ۱۳۹۴: ۳۰). در حال حاضر نیمی از جمعیت کشورهای جهان سوم و در حال توسعه در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند. براساس گزارش سازمان ملل این سکونتگاه‌ها چالش اصلی هزاره‌سوم شمرده می‌شوند در صورت ادامه این روال و برنامه‌ریزی نامناسب از سوی دولت‌ها پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ حدود ۲ میلیارد نفر از جمعیت شهرنشین جهان در این‌گونه سکونتگاه‌ها زندگی خواهند کرد (محسنی، ۱۳۹۷: ۳).

این سکونتگاه‌ها با سیمای زشت و خدمات ناکافی و شرایط بد و ساکنان کم‌توان و مشاغلی موقت، آمادگی بروز ناهنجاری‌های و بی‌قاعدگی‌های اجتماعی و بازتولید فقر را فراهم می‌کند. در مواقع بروز بلایای طبیعی خطرپذیری بالایی دارند. از طرف دیگر نبود خدمات شهری مناسب و زیرساخت‌های اساسی و... که به‌عنوان شاخص‌های کیفیت محیط زندگی در نظر گرفته می‌شود باعث به وجود آمدن خطرات زیست‌محیطی در این سکونتگاه‌ها می‌شود و ناپایداری این مناطق بیشتر می‌شود. به پدیده سکونتگاه‌های غیررسمی از دیدگاه‌های متفاوتی نگریسته می‌شود که خود باعث به وجود آمدن رویکردها و نگرش‌های متفاوت می‌شود گروهی این پدیده را به‌عنوان غده سرطانی که از

تجمع فقرا به وجود آمده در نظر می‌گیرند و تنها راه‌حل آن را برچیدن آن می‌دانند اما اکثر کارشناسان حوزه مطالعات شهری نگاه متفاوتی نسبت به این پدیده شهری دارند. یکی از آخرین طرح‌های کاربردی و عملی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی به مبحث توانمندسازی پرداخته است. در برنامه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، تلاش می‌شود خدمات پایه و زیربنایی به‌منظور کاهش فاصله کالبدی از بدنه اصلی پدیدار شود و خدمات‌رسانی به‌گونه‌ای انجام پذیرد که زمینه رفع تبعیض و کاهش فاصله طبقاتی برای گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر را مهیا سازد. توانمندسازی یکی از رویکردهای نوین برنامه‌ریزی شهری در راستای کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار آمده و مجموعه اقداماتی را دربرمی‌گیرد که با شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های ساکنین درصدد رشد و ارتقاء وضعیت موجود اسکان غیررسمی به وضعیت مطلوب شهری است (اسکندریان و فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ۴). در رویکرد توانمندسازی کوشش می‌شود بافت‌های غیررسمی ساماندهی شود و عرصه‌ای در جهت رشد و پیشرفت مناطق شکل بگیرد این برنامه با هدف سهیم شدن همه اقشار محروم و فقیر جامعه اعمال می‌شود در این برنامه تلاش می‌شود شایستگی‌ها و توانمندی‌های افراد شناخته شده به بهترین شکل ممکن مورد استفاده قرار گیرد و مسائل و مشکلات منطقه مسکونی برطرف شود (ایران‌دوست، ۱۳۸۹: ۶۴).

شهر قزوین یکی از استان‌های کشور بود که در ابتدای برنامه‌های نوسازی و توسعه اقتصادی در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه به‌عنوان کانون مراکز تولیدی و صنعتی مورد توجه برنامه‌ریزان وقت قرار گرفته و همین امر منجر به این شد تا قزوین و شهرهای پیرامونی آن، مورد توجه مهاجران و جویندگان کار و کارگران قرار گیرد از این‌رو در حاشیه شهر محلاتی شکل گرفت که در زمان خود بسیار ارزان‌قیمت‌تر از سایر محلات میانی شهر بوده و از حیث جغرافیایی و اجتماعی نیز در حاشیه شهر قرار داشتند، این بافت‌ها عمدتاً بر روی زمین‌های دولتی داخل شهری یا زمین‌های بایر حاشیه شهر در مقیاس کوچک و بزرگ شکل گرفتند که بعداً مسبب آسیب‌های اجتماعی گوناگون ناشی از جرایم نسل اول و نسل دوم مهاجرین شدند. از جمله این سکونتگاه‌ها در پیرامون قزوین می‌توان به محلات باغ‌نشاط و کوی بهار در جنوب باغات و اراضی

کشاورزی اشاره کرد. محله باغ‌نشاط از نظر تقسیمات کالبدی به‌عنوان محدوده منفصل در حد شرقی شهر قزوین استقرار یافته است این محل در ضلع جنوب غربی میدان مینودر و در مجاورت باغات سنتی، اراضی زراعی، عناصر دامداری و رودخانه‌های فصلی از یک طرف و کانون‌های صنعتی از طرف دیگر واقع شده است شکل‌گیری اولیه محله در پی احداث واحد دامداری در اوایل دهه پنجاه و اسکان کارگران شاغل در این واحد در پیرامون آن آغاز شده است و هسته اولیه محله تشکیل گردیده است این منطقه از لحاظ نوع بافت و مکان استقرار و قدمت آن جزو محله‌های فرودست منفصل از شهر به حساب می‌آید کمبود و نبود خدمات عمومی در این محله و نیز در بن‌بست قرار گرفتن محله به‌مرور تبعات اجتماعی نامناسبی در ساکنان نیمه شهری - نیمه روستایی این محله داشته است و زمینه واگرایی بیشتر آنان از نظام اجتماعی را موجب شده است. وجود گاوداری در یک طرف ورودی شهر و همچنین محل نگهداری اسب در طرف دیگر ورودی شهر که هر دو نیز متروکه هستند، معضلات زیادی را در این منطقه به وجود آورده است. آنچه در وضع موجود باغ‌نشاط دیده می‌شود محرومیت این سکونتگاه به لحاظ کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است بلا تکلیفی مردم از اینکه نه شهر و نه روستا محسوب نمی‌شوند نارضایتی ساکنین را در پی داشته است. سطح پایین زندگی، فقر و مخاطره‌آمیز بودن شرایط زندگی به خاطر قرار گرفتن در مسیر مسیل‌ها و رودخانه‌های فصلی، ساخت‌وسازهای غیرمجاز و نایمن، کمبود خدمات مناسب شهری و مسائل بیشمار دیگری از این‌دست، سنجش تمایل به توانمندسازی را ضروری می‌سازد. وضعیت محله باغ‌نشاط به شکلی است که این محله علاوه بر مخاطراتی که برای ساکنین دربردارد برای ساکنین سایر محلات نیز مشکلاتی را ایجاد نموده است؛ به‌نحوی که از یک‌سو سرریز جمعیت جویای خدمات شهری مشکلات خدماتی سایر محلات را دوچندان نموده و متورم می‌سازد و از سوی دیگر زمینه‌های جرایم سازمان‌یافته شهری را تسهیل نموده و به مکانی امن برای جرایم مختلف تبدیل شده است؛ بنابراین هرگونه اقدامی در افزایش توانمندسازی ساکنین این محله می‌تواند به افزایش میزان توانمندی سایر محلات کمک نماید. بدیهی است مشارکت مردم مورد مطالعه به‌طور اعم و ساکنین باغ‌نشاط به‌طور اخص در حل مسائل خود باید به‌عنوان یک

اصل محوری در نظر گرفته‌شود و رغبت ساکنین به توانمندسازی از اصول اساسی در این زمینه محسوب می‌شود چراکه احساس ارزشمندی، احساس دیده شدن، افزایش احساس تعلق مکانی و راهبردهای فرمایشی از بالا به پایین عملاً ره به جایی نخواهند برد علی‌ای حال با توجه به موارد ذکر شده محققین در تحقیق حاضر درصدد یافتن پاسخ به این سؤالات اساسی هستند که از یک‌سو میزان گرایش ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط به توانمندسازی چه قدر است؟ و از سوی دیگر عوامل مؤثر بر توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط قزوین کدامند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

براساس گزارش مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۰۳ منتشر شده است سکونتگاه‌های غیررسمی مسکنی تعریف شده است که با چارچوب‌های قانونی تطابق ندارند و در شهرها به وجود می‌آیند که می‌توانند در گستره‌ی زیادی غیررسمی باشند (لیوسی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۲). بانک جهانی نیز سکونتگاه‌های غیررسمی را این‌گونه تعریف می‌کند بخش‌هایی از شهر هستند که مورد سهل‌انگاری واقع شده‌اند، شرایط زندگی و وضعیت کیفیت مسکن آنها بسیار پایین است. از ویژگی‌های مشترک سکونتگاه‌های غیررسمی می‌توان به فقدان تأسیسات شهری مناسب و کافی و نبود خدمات شهری مناسب اشاره کرد که موجب شکاف و فاصله عمیق اجتماعی بین ساکنان این سکونتگاه‌ها و مناطق رسمی شهر می‌شود (معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها، ۱۳۸۸: ۳). واقعیت این است که پس از آنکه طبقه کم‌درآمد شهری و مهاجران فقیر روستایی بنا بر دلایل متفاوتی نتوانستند از طریق بازار متعارف و رسمی مسکن مورد نیاز خود را مهیا کنند از طریق بخش غیررسمی مبادرت به ایجاد سرپناهی برای خود می‌کنند این اقدام اولین مرحله در بروز شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی است آنچه که در روند شکل‌گیری اسکان غیررسمی در تمام کشورها عمومیت دارد این است که سکونت غیررسمی در میان فقرا اساس اقتصادی دارد و در واقع بازتاب و واکنش منطقی و خردمندانه در برابر فقر است (شاه‌حسینی، ۱۳۹۲: ۵۵). اگرچه بخش بزرگی از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی دوره‌ای مهاجر بوده‌اند اما تعداد افرادی که از بخش غیررسمی شهرها به این سکونتگاه‌های غیررسمی

روی می‌آورند هر روز افزایش می‌یابد و از لحاظ قومی، شغلی و گروهی متنوع هستند (پیران، ۱۳۷۷: ۱۴). از این رو توانمندسازی جدیدترین و مناسب‌ترین راه‌حل در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی است. توانمندسازی راهبردی جهانی برای مسکن است؛ که در سال ۲۰۰۰ در نشست عمومی سازمان ملل پذیرفته شد. این راهبرد بر فقرزدایی و توسعه پایدار انسان‌محور استوار است (خضرای، ۱۳۸۱: ۵۶)؛ و با به کارگیری مشارکت مردم همراه با ساختار دفاع دولت و سازمان‌های بومی و محلی در توانمندسازی و قدرت بخشی به ساکنان به‌عنوان اصل محوری در ساماندهی اسکان غیررسمی مورد توجه است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به پدیده اسکان غیررسمی در منطقه باغ‌نشاط می‌پردازد اهمیت انجام چنین پژوهشی در این امر نهفته است که اگر به همه‌ی عوامل مؤثر بر توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی اعم از اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، کالبدی و ... توجه شود و از ظرفیت‌های بومی و محله‌ای برای بهبود وضعیت باغ‌نشاط استفاده شود میزان رضایت ساکنین و تعلق مکانی آنها بالا می‌رود و مردم احساس تأثیرگذاری بر سرنوشت خود و احساس ارزشمندی پیدا می‌کنند و همچنین بین مناطق مختلف شهر از نظر دسترسی به منابع و امکانات تعادل بیشتری برقرار می‌شود و از توسعه نابرابر و فقر و محرومیت سکونتگاه‌های غیررسمی می‌کاهد، همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند در جهت یاری‌رساندن به مدیران و نهادهای برنامه‌ریز شهری در جهت ساماندهی نیروی انسانی و استفاده بهینه منابع و امکانات و کاربری زمین مؤثر باشد و راه‌کارهایی در جهت توانمندسازی منطقه ارائه نموده و در جهت جلوگیری از معضلات اجتماعی و توسعه شهر قزوین سهمی هرچند کوچک داشته‌باشد.

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

پیشینه داخلی

رهنما و یعقوبی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی شهرک شهید رجایی مشهد پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد؛ راهبرد کلی توانمندسازی این محدوده جنبه تدافعی داشته است و راهبردهای ساماندهی کالبدی، محیطی و جمعیتی با ایجاد زیرساخت‌ها و تسهیلات شهری، استفاده بهینه از زمین‌های موقوفه آستان قدس رضوی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و کالبدی محدوده، توسعه متعادل عناصر

شهری، تأمین مسکن مناسب و زیباسازی در طراحی، ضمن حفظ هویت فرهنگی محدوده با بهره‌گیری از مصالح بومی و تلفیق آن با مصالح جدید، راهبردهای مهم توانمندسازی شهرک شهید رجایی به شمار آورده شده است.

بابایی الیاسی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی امکان‌سنجی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر پایه ادراک ذهنی در محله زورآباد شهر لوشان پرداختند. نتایج تحقیق نشان دادند؛ از دیدگاه شهروندان میان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سکونتگاه غیررسمی محله زورآباد تفاوت وجود دارد؛ در مرحله دوم، با استفاده از تحلیل عاملی، مشخص گردید که مؤلفه اقتصادی با ضریب ۰/۳۲۱، به‌عنوان بالاترین اولویت توانمندسازی و به ترتیب مؤلفه محیط زیستی با ضریب ۰/۳۰۹، اجتماعی با ضریب ۰/۲۹۷، کالبدی با ضریب ۰/۲۶۶ و دسترسی با ضریب ۰/۲۳۱؛ بایستی در اولویت رسیدگی توسط مسئولان ذیربط قرار گیرند.

کیانی سلمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به شناسایی عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین شهر اصفهان (مطالعه موردی: محله عاشق‌آباد) پرداختند، نتایج پژوهش نشان داد دستیابی به توانمندسازی ساکنان محله، با بهبود شاخص‌های اثرگذار در پنج بعد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی آموزشی، زیست‌محیطی و اقتصادی با وزن‌های کوواریانسی ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۵۳ میسر است و بیشترین اثربخشی از طریق بعد کالبدی مشاهده گردید.

رستم‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی توانمندسازی ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در محله آیت‌الله غفاری بندرعباس با هدف شناخت وضعیت و قابلیت‌های سرمایه اجتماعی جهت توسعه محلات فقیرنشین و نقش سرمایه اجتماعی ساکنین در ظرفیت‌سازی محله‌ای و رفع محرومیت با استفاده از روش کاربردی و توصیفی تحلیلی و ابزار پرسشنامه، نشان داد که اعتماد مردم به مدیریت شهری با فراهم شدن زمینه‌های مشارکت مردم فراهم می‌شود که در نهایت منجر به توانمندی ساکنین می‌شود.

محسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان شهر و مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر روش‌های ساماندهی و توانمندسازی آن در شهر ساری پرداخت نتایج این پژوهش

حاکمی از شدت مسائل اقتصادی، نارضایتی اجتماعی و بروز مشکل مسکن و تشدید مسائل زیست‌محیطی و بهداشتی بود و پژوهشگر دو مدل را برای ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مؤثر ارزیابی نموده است.

صفرآبادی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان رویکردهای توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای شهری مطالعه موردی حسن‌آباد یزد پرداخت بر اساس نتایج این تحقیق مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه محله پایدار به ۹ عامل کاهش‌یافته و عامل زیست‌محیطی ۵۲.۱۹ واریانس و عامل مهارت‌آموزی با ۳.۶۹ کمترین درصد واریانس را به خود اختصاص داد.

آقایی (۱۳۹۵) پژوهشی تحت‌عنوان امکان‌سنجی توانمندسازی اسکان غیررسمی در شهر مراغه نمونه موردی میکائیل‌آباد انجام داد، نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان از ناکارآمدی سیاست‌های کلان اقتصادی و تمرکزگرایی در بسیاری از زمینه‌ها و مخصوصاً مدیریت ضعیف شهری، زمینه فقر شهری را در منطقه میکائیل‌آباد فراهم کرده است، به علت ضعف و به روز نبودن قوانین شهری طرح‌های توانمندسازی با شکست مواجه شده است.

پیشینه خارجی

کیم و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به شامل شدن شهروندان در بهبود اسکان غیررسمی پس از بحران: مورد کلمبو، سریلانکا پرداختند. نتایج نشان داد؛ محسوب شدن شهروندان در فرآیند بهبود اسکان غیررسمی، تأثیر مثبتی بر ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فضایی محله داشته است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که شامل شدن شهروندان و همکاری آن‌ها در فرآیند بهبود اسکان غیررسمی، اثر مثبتی بر ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فضایی محله داشته است. همچنین، افزایش شفافیت و نظارت بر فرآیند بهبود اسکان غیررسمی و همکاری بین شهروندان و بخش مسئولین بهبود هماهنگی در فرآیند بهبود اسکان غیررسمی را نیز به دنبال داشته است.

^۱ Kim & et al

علی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی مشارکت جامعه در بهبود اسکان غیررسمی: اهمیت، موانع و مکانیسم‌های پشتیبان در مصر، پرداختند. نتایج مطالعه ایشان نشان داده است که مشارکت جامعه در بهبود اسکان غیررسمی، زمینه‌ساز شناخت بهتر نیازهای جامعه محلی، بهبود امکان دسترسی به خدمات پایه، افزایش توانمندی‌های جامعه محلی و همچنین توسعه پایدار و اثربخشی در بهبود اسکان غیررسمی است. همچنین، شناسایی موانع و مکانیسم‌های پشتیبانی می‌تواند به شهرداری‌ها و نهادهای عمومی کمک کند تا رویکرد بهبود اسکان غیررسمی با مشارکت جامعه را به‌خوبی پیاده‌سازی کنند. در این مقاله بررسی تأکید بر نقش مشارکت جامعه در بهبود اسکان غیررسمی، شناسایی موانع و مکانیسم‌های پشتیبان و ارائه چارچوبی برای پیاده‌سازی بهره‌ور از طریق نقش مشارکت جامعه در بهبود اسکان‌های غیررسمی را می‌دهد.

کریوکی و همکاران^۱ (۲۰۲۱) به بررسی امنیت اقتصادی اراضی و بهبود اسکان غیررسمی: مطالعه موردی نایروبی، کنیا پرداختند. هدف این مقاله، بررسی رابطه‌ی امنیت اقتصادی اراضی و بهبود اسکان غیررسمی است. نتایج نشان می‌دهند که بهبود امنیت اقتصادی اراضی و رویکرد مشارکتی در بهبود اسکان غیررسمی، می‌تواند منجر به بهبود وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای در حال توسعه شود.

دو و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی الگوهای درگیری و عدم درگیری در بهبود اسکان غیررسمی: مطالعه موردی شهر گواهای هند پرداختند نتایج نشان داد که ارتباط افراد با محیط زیست، ایفای نقش خانوادگی و تأثیر آموزش و آگاهی بر مهارت‌های ارتباطی، عوامل مهمی در بهبود اسکان‌های غیررسمی هستند. همچنین مطالعه نشان می‌دهد که مشارکت و حضور اجتماعی، بهبود اقتصادی و پایداری اجتماعی، می‌تواند به‌عنوان راهکاری مؤثر در بهبود جایگاه سکنی افراد در این اسکان‌ها از نداشتن جایگاهی مناسب استفاده شود.

بای و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی عوامل محرک سکونتگاه‌های غیررسمی در مناطق حاشیه‌شهری ولدیا پرداختند. بر اساس نتایج این مطالعه عواملی از

¹ E. Kariuki & et al

² S. K. Dev & et al

³ Baye & et al

قبیل؛ اختلاف درآمد، افزایش قیمت اجاره زمین شهری و پرداخت غرامت ناچیز در جریان سلب مالکیت از اراضی به کشاورزان، افزایش روزافزون جمعیت شهری، تخصیص زمین نامناسب، کمبود مسکن و افزایش اجاره از جمله مهم‌ترین علل اصلی پیدایش اسکان غیررسمی در فضاهای مختلف شهر ولدیا بوده است.

تانزیل^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان استراتژی توانمندسازی اجتماع‌محور مشکلات ماهیگیران ساکن در جزیره ماکاسار اندونزی را با رویکرد توانمندسازی آسیب‌شناسی کرده و به سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنین در این منطقه پرداخت نتایج پژوهش با دلایل مختلف نشان داده است که سیاست‌های توانمندسازی اقتصادی جوامع ساحلی توانایی سروسامان دادن به زندگی این جوامع را نداشته است.

مانتویا^۲ (۱۹۹۹) پژوهشی با عنوان توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در کوهستان اسکازو و با روش کیفی انجام داد، پژوهشگر در این مطالعه تأکید داشت که برای موفقیت طرح‌های توانمندسازی باید بر امکانات و منابع موجود محلی توجه شود، او تأکید می‌کند که مشارکت مردم برای موفقیت طرح‌های توانمندسازی ضروری است پژوهشگر رویکردی انتقادی به پارادایم توسعه پایدار دارد و معتقد است که این رویکرد در رسیدن به هدف نهایی خود که تغییر و بهبود کیفیت زندگی جوامع هدف بوده است، ناموفق بوده است. بر همین‌اساس پژوهشگر در نتیجه‌گیری که برای عدم موفقیت رویکردهای توانمندسازی ذکر می‌کند تمرکز بیش از حد این رویکردها در سرمایه‌اقتصادی و عدم توجه به سایر شکل‌های سرمایه را عامل عدم موفقیت این طرح‌ها می‌داند مانتویا بر ضرورت تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در توانمندسازی تأکید می‌کند (مانتویا، ۱۹۹۹).

جمع‌بندی پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

بررسی پیشینه‌های مطالعاتی داخلی و خارجی پیشین نشان دادند؛ بیشتر پژوهش‌ها نشان‌دهنده وضعیت بسیار بد سکونتگاه‌های غیررسمی از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و ... است. پژوهشگران معتقد بودند توانمندسازی تنها از بعد کالبدی و

^۱ Tanzil

^۲ Montoya

محیطی کارساز نیست و علاوه بر اینکه این مناطق نیازمند بهسازی کالبدی هستند ارائه برنامه‌های توانمندسازی و افزایش گرایش به توانمندسازی باید مبتنی بر خود مردم و نهادهای مردمی و محلی باشد که نیازمند هماهنگی نهادها و سازمان‌های مربوطه است. پژوهشگران اعتقاد داشتند در سکونتگاه‌های غیررسمی زمینه شرایط اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد و مهم‌ترین راهکار مشارکت و توان‌مردمی و استفاده از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه هدف بوده است.

چارچوب نظری

اسکان غیررسمی و لزوم برنامه‌ریزی برای فائق آمدن بر مشکلات حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در کشورهای مختلف دارای تاریخچه نسبتاً طولانی است این امر از یک سو به بررسی ساختارهای فضایی فقر شهری و عدالت فضایی پرداخته است (تقوایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۸) و از سوی دیگر افرادی همچون اسکار لوئیس^۱ از منظر مفهوم فرهنگ فقر و عدم گرایش ساکنین به توانمندسازی پرداخته است از این منظر فرهنگ فقر شامل مجموعه‌ای گوناگون از ارزش‌ها و باورها در میان فقراست که میان آنها نوعی خرده‌فرهنگ مرتبط با فقر شکل می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). در حقیقت نظریه اسکار کیفیتی را نشان می‌دهد که در آن مردم در دام محیط اجتماعی گرفتار می‌شوند که ویژگی چنین محیطی مشتمل بر لاقیدی، تقدیرگرایی، فقدان بلندپروازی و آرمان‌گرایی و استقبال از رفتارهای بزهکارانه است (گیلبرت و کانگر، ۱۳۷۵: ۱۹۲). لوئیس معتقد است که این خرده‌فرهنگ به صورت رویه زندگی مردم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و خروج از چرخه فقرا و گرایش به توانمندی برای ساکنان این مناطق را غیرممکن می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۹۴).

به‌طورکلی در جهان، برنامه‌های مقابله با حاشیه‌نشینی برای بیش از چهار دهه به اجرا گذاشته شده‌اند، این برنامه‌ها تابع نظریه‌های مختلف سکونتگاه‌های غیررسمی و سیاست‌های کلی دولت‌ها در این زمینه بوده‌اند. برنامه‌های مقابله و مواجهه با اسکان غیررسمی در چهار دوره قابل تفکیک و بررسی هستند که با توجه به پشتوانه‌های

^۱. Lewis Oscar

نظری و سیاستی آنها، اجرا شده‌اند (رستم‌زاده؛ ۱۳۹۰، حاج یوسفی و همکاران؛ ۱۳۸۴، ایران‌دوست؛ ۱۳۸۹ و بذرگر و همکاران؛ ۱۳۹۶).

پژوهشگرانی مانند آبرامز (۱۹۶۴)، رشد این سکونتگاه‌ها را تسخیر مناطق شهری برای تأمین سرپناه در نظر می‌گرفت که هم با استفاده از قانون زور و هم با نیروی قانون انجام می‌شد (آبرامز، ۱۹۶۴)، تبعیت از چنین رهیافتی منجر به این امر شده بود که قبل از دهه ۱۹۷۰، دیدگاه لیبرال و کاهش دخالت دولت در زمینه مسکن برای جامعه فقیر شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی، آرمان اصلی دولت‌ها باشد، در واقع، این دیدگاه بر اساس اعتقادی بود که با توسعه اقتصادی، مشکلات مسکن و فقر بهبود خواهند یافت. دیدگاه «نادیده‌گرفتن» در این حیطة بر این اصل تکیه داشت که توسعه اقتصادی می‌تواند این مسائل را حل کند (گیلبرت، ۲۰۰۵: ۱۱۸). با عدم دستیابی به هدف لیبرالیسم، دولت‌ها به سمت رویکرد اخراج و خالی کردن سکونتگاه‌های غیررسمی و تخلیه اجباری آنها تمرکز کردند. در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به‌طور فزاینده از این رویکرد استفاده شد (ورنا و کیونی^۱، ۲۰۰۱: ۸۴-۸۷). در پی انتقاداتی که نسبت به شیوه‌های نادیده‌انگاری و اخراج مطرح گردید توجهات جدی نسبت به الگوی بهسازی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مطرح شد که با اجرای ضعیف و کمبود مشارکت محلی، این سیاست نیز با موفقیت‌های مطلوبی همراه نبود (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۹۰؛ ابالمقد^۲، ۲۰۲۰: ۴۲).

در اوایل دهه ۱۹۸۰، به دنبال وقوع مسائلی از این دست و عدم موفقیت رویکردهای پیشین، رویکرد توانمندسازی با قابلیت ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی به‌منظور افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعات در حوزه توسعه مسکن، توانمندسازی بازار، توانمندسازی سیاسی، توانمندسازی اجتماعی و ... مطرح شد (ارژنگی و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۷۶؛ اوکچ و همکاران^۳، ۲۰۲۰: ۴۵). این رویکرد با تدابیر بانک جهانی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه همچون برزیل، هندوستان، ایران،

^۱ Werna & Keivani

^۲ Aboulmagd

^۳ Okech et al,

اندونزی و غنا اجرایی شد که تا حدود زیادی قرین موفقیت بود (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۹۰-۵۹۱).

براساس این دیدگاه استفاده از منابع محلی و توان‌های جوامع محلی به‌منظور بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی، در بافت‌های اسکان غیررسمی در راستای توانمندسازی ساکنین انجام می‌شود، تلاش‌های موفق در جهت توانمندسازی مردم فقیر منجر به افزایش آزادی انتخاب و عمل آنها در تمامی ابعاد می‌شود. چهار عنصر اصلی رویکرد توانمندسازی عبارت از: دسترسی به اطلاعات، مشارکت شهروندان، پاسخگویی مسئولین و افزایش ظرفیت سازمان‌های محلی می‌باشند (نارایان^۱، ۲۰۰۲: ۱۳-۱۴).

رویکرد توانمندسازی به‌منظور کاهش نابرابری‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی و... امروزه در ادبیات اسکان غیررسمی در دنیا جایگاه بالایی دارد، این رویکرد درصدد زمینه‌سازی برای ارتقا شرایط اجتماع محلی سکونتگاه‌های غیررسمی از طریق گسترش استفاده از ظرفیت‌ها و توان موجود است. از آنجایی که اساس موفقیت در توانمندسازی تأکید بر استفاده از توان و ظرفیت درونی و استعدادها بالقوه محله، در ابعاد مختلف است، در نتیجه استفاده از شیوه مشارکت در توانمندسازی این نوع سکونتگاه‌ها عملاً مردم را در فرایند طراحی، بهره‌وری و اجرا درگیر می‌کند.

توانمندسازی یعنی فرآیندی که مشارکت و توزیع قدرت را تقویت می‌کند تا افراد بتوانند بر عوامل و تصمیم‌هایی که زندگی و سلامت خود را شکل می‌دهند، کنترل داشته باشند (مهرالحسنی و یزدی فیض‌آبادی^۲، ۲۰۲۱: ۴۲). با توجه به بافت شهری و پیچیدگی‌های آن، توانمندسازی در سطح جامعه با مشارکت مردم در مداخلات منجر به شفافیت و پاسخگویی می‌شود؛ این رویکرد نگاه ویژه‌ای به کشورهای در حال توسعه که سکونتگاه‌های غیررسمی در آنها متداول است، دارد (کاناسکار^۳، ۲۰۱۶: ۷۸). با عنایت به این امر که مشارکت می‌تواند در برخی موارد به‌صورت منفعلانه، سطحی و محدود در دوره کوتاه‌مدت یا به‌عنوان ابزاری برای تأمین منافع صاحبان قدرت عمل کند، باید توجه داشت که هرگونه مشارکت به‌تنهایی به‌عنوان توانمندسازی در نظر گرفته نمی‌شود و

¹ Narayan

² Mehrohasani & Yazdi Feyzabadi

³ Kanaskar

مشارکت در صورت برخورداری از جمیع ابعاد توسعه‌دهنده وضعیت ساکنین بخشی از توانمندسازی تلقی می‌شود (رانا و پیراچا^۱، ۲۰۱۸: ۴۷؛ شیانا، ۲۰۰۸: ۱۴).

رویکرد توانمندسازی شامل مجموعه نظریاتی است که تنها به دنبال ریشه‌ها و علل مسئله نیست بلکه راهبردها و راهکارهایی را در حوزه اسکان غیررسمی در برمی‌گیرد و توجه به مستندات سه دهه تجربه برخورد با پدیده اسکان غیررسمی عملاً تغییر و تحول بنیادین را امکان‌پذیر نمی‌داند و بر همین اساس به دنبال راه‌حل‌هایی هستند که متکی به توان ساکنان این سکونتگاه‌ها باشد و به‌صورت خودجوش از درون زندگی ساکنان کم‌درآمد این سکونتگاه‌ها استخراج شده‌باشد این رویکرد به دنبال راه‌حل‌هایی است که منجر به توانمندسازی، ساماندهی و بهسازی این سکونتگاه‌ها می‌شود. رویکرد جدیدی که از سوی برنامه اسکان بشر ملل طراحی شده نوعی پیکار برای تضمین حق مالکیت افراد ساکن در این مناطق است، اساس این امر به این شرط وابسته است که حق مالکیت ساکنین تضمین شود چراکه ملحوظ نمودن حق مالکیت لازمه توسعه اقتصادی و اجتماعی با اثرات طولانی‌مدت است این راهبرد جدید بر مشارکت تمامی ساکنین فقیر شهر، برای حل مشکلات مسکن و اجرای برنامه‌های توانمندسازی تأکید می‌کند (هاشمی: ۱۳۸۰، ۶۵-۵۳). توجه به دیدگاه و نگرش ساکنین محلی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مستلزم کار صمیمانه، نزدیک و مداوم درون این قبیل محلات با برنامه‌ریزی توسط مردم و برای مردم است. برنامه‌ریزی برای مردم باید به برنامه‌ریزی توسط مردم با رویکرد مشارکتی تبدیل شود و مهندسين مشاور نقش میانجی و تسهیل‌کننده بروز توان‌های درونی این اجتماعات را ایفا کنند. توانمندسازی این محلات نیازمند اعتماد است و بستر اصلی این حرکت نیز تقویت انسجام و تفاهم بین مردم، مسئولین، شوراها و سازمان‌های مردم‌نهاد و معتمدین محلی به‌عنوان پل ارتباطی بین مردم و مسئولین نقش مهمی در اعتمادسازی و هماهنگی و پیشبرد اهداف دارند. از این منظر و با توجه به رهیافت جامعه‌شناختی که در این مقاله مورد تأکید است توانمندسازی تنها بهسازی و ساختمان‌سازی و حتی الگوسازی کالبدی نیست بلکه مأموریت اصلی آن

^۱ Rana & Piracha

ضمن ارائه الگوهای کالبدی جدید، توجه خاص به ثبات و پایداری الگوهای حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... است به گونه‌ای که تبلور ابعاد اجتماعی، اقتصادی و عملکردی شهر در کالبد آن نیز به نمایش گذاشته شود؛ بنابراین توانمندسازی رویکردی است که مستلزم آگاه‌سازی مردم، تمرکززدایی از قدرت، ایجاد بخش خصوصی فعال و شفاف‌سازی کلیه امور، محلی‌سازی برنامه‌ها، تقویت نظارت نهادهای مدنی و تأکید بر حضور مردم در برنامه‌ریزی‌های محلی است با امعان نظر به جمیع جهات فوق در تحقیق حاضر با اتخاذ رویکرد توانمندسازی و توجه به مباحث جامعه‌شناختی دخیل در امر مشارکت و توانمندسازی گروه‌های خاص، در راستای حل مسائل محله باغ‌نشاط تلاش شده است تا تعیین‌کننده‌های توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی شهر قزوین به‌طور اعم و محله باغ‌نشاط به‌طور اخص مورد توجه قرار گیرد با عنایت به این موضوع مدل تحلیلی مطالعه حاضر بر مبنای تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی در گرایش به توانمندسازی از سوی ساکنین اسکان غیررسمی مورد مذاقه قرار گرفته است که در ادامه در قالب مدل تحلیلی تحقیق و فرضیات تحقیق ارائه شده است.

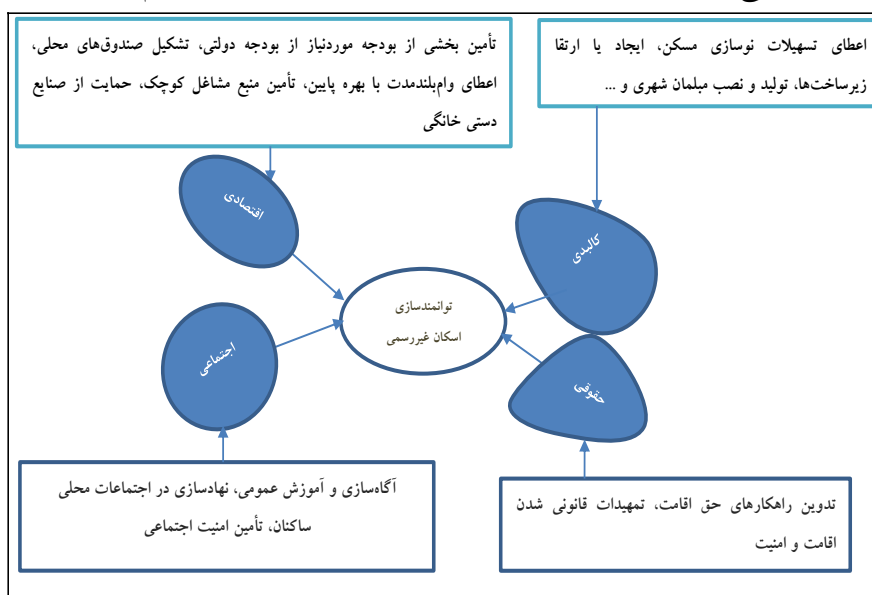
مدل تحلیلی پژوهش

فرضیات تحقیق

۱. عوامل حقوقی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین باغ‌نشاط مؤثر است.
۲. عوامل کالبدی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط مؤثر است.
۳. عوامل اقتصادی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط مؤثر است.
۳. عوامل اجتماعی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط مؤثر است.

روش تحقیق

بر پایه اطلاعات و آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار در سال ۱۳۹۵، جمعیت محدوده مورد مطالعه بالغ بر ۳۰۰۰ نفر برآورد شده است که در قالب ۵۲۲ خانوار در پهنه‌ی مورد بررسی توزیع شده‌اند. با توجه به مساحت ۱۷ هکتاری این محله تراکم ناخالص جمعیتی



۱۰۰ نفر در هکتار را به‌دست می‌دهد. از کل جمعیت مذکور ۸۸۰ نفر مرد (۵۱/۸ درصد) و ۸۱۹ نفر (۴۸/۲ درصد) را نیز زنان تشکیل می‌دهند که نسبت جنسی ۱۰۷ است یعنی به ازای هر ۱۰۰ زن ۱۰۷ مرد در این محله سکونت دارند. بر اساس آمار به‌دست آمده

ترکیب جمعیتی این محله به شرح ذیل است. در گروه سنی ۱ تا ۵ ساله ۷ درصد، گروه سنی ۱ تا ۱۴ سال ۲۱ درصد، گروه سنی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله ۱۸ درصد، جمعیت فعال ۱۵ تا ۶۴ سال ۶۲ درصد و جمعیت سالمند بالای ۶۵ سال نیز ۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. بعد خانوار در این محله ۳/۲ نفر است که با میانگین بعد خانوار در استان برابری می‌کند. از مجموع جمعیت ۳۰۰۰ نفری محله باغ‌نشاط ۵/۷ درصد در واحدهای مسکونی آپارتمانی، ۹۴/۳ درصد در واحدهای مسکونی غیر آپارتمانی و ۱/۸ درصد نیز در سایر مسکن سکونت دارند. همچنین از مجموع بناهای موجود در این محله ۹۲/۵ درصد از مصالح آجر و آهن شکل گرفته‌اند و مصالح ساختمانی ۷/۵ درصد نیز آجر و چوب و آجر و سنگ است. در ادامه نقشه محله باغ‌نشاط در قزوین آورده شده‌است. (نقشه مأخوذ از معاونت اجتماعی استانداری استان قزوین: ۱۴۰۰).



روش پژوهش حاضر، از نوع توصیفی-تحلیلی و به شکل پیمایشی بود، جامعه آماری پژوهش هم شامل کل ساکنین محله باغ‌نشاط در قزوین بود، برای این منظور محله به سه بلوک کالبدی با جمعیت کل ۳۰۰۰ نفر تقسیم شد. نمونه آماری تحقیق براساس فرمول کوکران با اطمینان ۹۵ درصد ($= 1/96$) ۳۴۱ نفر محاسبه شد. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بهره گرفته شد، به این صورت که ابتدا لیست خانوارها از مرکز بهداشت محله گرفته شد و نمونه‌ها به‌طور تصادفی از این لیست انتخاب شدند، سپس پس از جمع‌آوری و پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، برای تجزیه و تحلیل آماری آنها استفاده شد. به‌منظور سنجش اعتبار ابزار

اندازه‌گیری، در مرحله اول از اعتبار صوری بر اساس نظر اساتید دانشگاه (ده نفر از اساتید دانشگاه) استفاده شد پس از اعتبار صوری، گویه‌های پرسشنامه در یک پیش‌آزمون برای ارزیابی پایایی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بررسی پایایی گویه‌ها نشان داد که گزاره‌های هم‌طیف هر بخش باهم ارتباط داخلی بالایی دارند. به عبارت دیگر، گویه‌های هر بخش پاسخ‌های مشابهی را ارزیابی می‌کنند و این امر نشان از پایایی داخلی آنها است. مقدار ضریب آلفا^۱ برای اجزای مختلف نشانگر پایایی مناسب پرسشنامه بود. ضریب آلفا معیاری است که نشان می‌دهد درجه هماهنگی و همبستگی میان گویه‌ها درون یک ساختار را نشان می‌دهد. مقادیر بالای ضریب آلفا نشان‌دهنده پایایی و قابل‌اعتماد بودن پرسشنامه است. جهت سنجش پایایی پرسشنامه نیز ابتدا در مرحله مقدماتی با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS پیش‌آزمونی بر روی نمونه‌ی ۳۰ نفری ضریب آلفای کرونباخ هر متغیر با هر بعد سنجش شد، بررسی پایایی گویه‌های پرسشنامه نشان داد گزاره‌های هم‌طیف هر بخش، همبستگی درونی بالایی داشتند و گویه‌هایی که همبستگی بالایی نداشتند حذف شدند. مقدار آلفا برای سازه‌های مختلف با همبستگی ۰/۷۰ و بالاتر محاسبه شد که نشانگر پایایی بسیار مناسب پرسشنامه بود.

تعاریف عملیاتی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد انجام گرفت که در اینجا در قالب جدول شماره یک ابعاد، شاخص‌ها و گویه‌های مورد بررسی آورده شده است.

جدول شماره ۱. متغیرها، ابعاد و گویه‌های مورد بررسی

گویه‌ها	۱	۲	۳

^۱. Alpha

<p>۱. بسیار تمایل دارم کاری را که در محله انجام می‌دهم، برایم بسیار مهم و ارزشمند باشد.</p> <p>۱. تمایل دارم فعالیت‌هایی که در محله انجام می‌دهم، برایم ارزشمند (معنی‌دار) باشند.</p> <p>۳. حقیقتاً تمایل دارم کاری که در محله انجام می‌دهم، برایم ارزشمند (معنی‌دار) باشد.</p>	معنی‌دار بودن	توانمندسازی اسپریتوز و میسرا (۲۰۰۵)	گرایش به توانمندسازی
<p>۱. نسبت به توانایی‌های خود برای انجام کار در محله مطمئن هستم.</p> <p>۲. درباره شایستگی‌های خود برای انجام دادن وظایف خود در محله اطمینان دارم.</p> <p>۳. بر مهارت‌هایی که برای انجام دادن وظایفم در محله مورد نیاز است، تسلط دارم.</p>	شایستگی		
<p>۱. این فرصت را دارم که در انجام وظایف خود در محله، از ابتکار شغلی خود استفاده کنم.</p> <p>۲. تمایل دارم در مورد چگونگی انجام وظایف شغلی خود در محله نیز تصمیم بگیرم.</p> <p>۳. در انجام دادن وظایف خود در محله، می‌توانم و تمایل دارم استقلال زیادی داشته باشم.</p>	خودمختاری		
<p>۱. تأثیر من بر آنچه در حیطه کاری‌ام در محله اتفاق می‌افتد، خیلی زیاد است.</p> <p>۲. نسبت به آنچه در زمینه کاری‌ام در محله اتفاق می‌افتد، تمایل به کنترل زیاد دارم.</p> <p>۳. تمایل دارم که نظر من در تصمیم‌گیری‌های محله مورد توجه قرار می‌گیرد.</p>	تأثیرگذاری		
<p>۱. اطمینان دارم همسایه‌ها در فعالیت‌های محله تمایل دارند با من کاملاً صادق باشند.</p> <p>۲. اطمینان دارم همسایه‌ها اطلاعات مهم محله را تمایل دارند که با من در میان بگذارند.</p> <p>۳. اعتقاد دارم که همه همسایه‌ها به کامیابی و موفقیت‌مان در محله تمایل و توجه دارند.</p>	اعتماد		

<p>۱. اعطای تسهیلات نوسازی مسکن شهری به ساکنین محله شود.</p> <p>۲. ایجاد یا ارتقا زیرساخت‌ها انجام شود.</p> <p>۳. تولید و نصب مبلمان شهری باید انجام شود.</p> <p>۴. وضعیت نورپردازی و روشنایی محله بهتر شود.</p> <p>۵. وضعیت تعداد خانوار در واحد مسکن رعایت شود و رو به بهبودی برود.</p> <p>۶. کیفیت نمای ساختمان‌های محله از منظر زیبایی بصری بهتر شود.</p> <p>۷. کیفیت بنای ساختمان‌های محله در برابر حوادث غیرمترقبه از نظر ایمنی بالاتر برود.</p> <p>۸. وضعیت ابعاد ساختمان‌ها و مسکن در این محله بهبود یابد.</p> <p>۹. فاصله‌ی مراکز خدمات آموزشی در محله باغ‌نشاط (مدرسه، مهدکودک و...) اصلاح شود.</p> <p>۱۰. اندازه فاصله‌ی مراکز خدمات تفریحی و سرگرمی در محله اصلاح شود.</p> <p>۱۱. کیفیت معابر سواره در محله بالاتر برود.</p> <p>۱۲. کیفیت معابر پیاده در محله بهبود یابد.</p>	<p>ابعاد کالبدی در ۱۲ گویه</p>	<p>ایران‌دوست، پایانی الیاسی، کیانی سلمی</p>	<p>عوامل کالبدی</p>
<p>۱. بخشی از بودجه مورد نیاز از بودجه دولتی تأمین شود.</p> <p>۲. صندوق‌های محلی تشکیل شود.</p> <p>۴. وام‌های بلندمدت با بهره پایین ایجاد شود.</p> <p>۵. منابعی برای مشاغل کوچک تأمین شود.</p> <p>۶. از صنایع دستی خانگی حمایت شود.</p> <p>۷. فرصت‌های شغلی برای ساکنین محله خلق شد.</p>	<p>ابعاد اقتصادی در هفت گویه</p>	<p>ایران‌دوست، پایانی الیاسی و کیانی سلمی</p>	<p>عوامل اقتصادی</p>
<p>۱. راهکارهایی در جهت گرفتن حق اقامت برای ساکنین محله باغ‌نشاط تدوین گردد.</p> <p>۲. تمهیدات قانونی شدن اقامت و امنیت برای ساکنین محله صورت گیرد.</p> <p>۳. مراحل حقوقی و قانونی اخذ و واگذاری سند مالکیت به ساکنین محله تسهیل گردد.</p>	<p>ابعاد حقوقی در ۳ گویه</p>	<p>ایران‌دوست</p>	<p>عوامل حقوقی</p>

عوامل اجتماعی	پدران دوست، بایستی ایستای و کیانی سلمی	تعداد اجتماعی در ۷ گروه	<p>۱. آگاه‌سازی و آموزش عمومی صورت گیرد.</p> <p>۲. تأمین امنیت اجتماعی بالا رود.</p> <p>۳. وضعیت امنیت تردد در محله بهتر شود.</p> <p>۴. همگی در امور محله مشارکت داشته باشیم.</p> <p>۵. رابطه ساکنین به لحاظ وابستگی و رفاقت با همسایگان بیشتر شود.</p> <p>۶. میزان رضایت ساکنین از آرامش و آسایش محله بیشتر شود.</p> <p>۷. سطح اجتماعی و فرهنگی نسبت به دیگر مناطق شهر بهبود یابد.</p>
---------------	--	-------------------------	---

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی بیان شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های تحقیق، حداقل و حداکثر سن پاسخگویان به ترتیب ۱۸ و ۷۹ سال بود. میانگین سن پاسخگویان نیز ۴۰/۴۰ سال با انحراف معیار ۱۲/۸۸۲ بود. همچنین نتایج تحقیق نشان دادند؛ ۳۱/۱ درصد از پاسخگویان تحقیق، مجرد و ۶۸/۹ درصد متأهل بودند، جنسیت پاسخگویان نیز به این صورت بود که ۴۱/۱ درصد از پاسخگویان تحقیق را زنان و ۵۸/۹ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. با توجه به یافته‌های پژوهش، ۶/۷ درصد از پاسخگویان تحقیق دارای تحصیلاتی در حد ابتدایی، ۲۶/۱ درصد از پاسخگویان تحقیق دارای تحصیلاتی در حد راهنمایی، ۲۴/۳ درصد دبیرستان و دیپلم، ۲۸/۴ درصد در حد فوق دیپلم یا لیسانس، ۱۲/۶ درصد دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و نهایتاً ۱/۸ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. شغل پاسخگویان نیز با توجه به یافته‌های پژوهش، ۴۵/۵ درصد از پاسخگویان تحقیق، غیرشاغل و ۵۴/۵ درصد، شاغل بودند، با توجه به یافته‌های پژوهش، ۲۴ درصد پاسخگویان بدون درآمد بودند. ۱۳/۵ درصد پاسخگویان دارای درآمدی کمتر از ۵ میلیون تومان و ۲۸/۴ درصد بین ۶ میلیون تا ۸ میلیون تومان درآمد داشته‌اند، ۹/۷ درصد بین ۹ تا ۱۱ میلیون تومان، ۱/۵ درصد بین ۱۱ تا ۱۳ میلیون تومان و نهایتاً درآمد ۱/۲ درصد آنها نیز بالای ۱۳ میلیون تومان بوده است. همچنین ۲۷/۱ پاسخگویان به این پرسش پاسخ ندادند.

جدول شماره ۲. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها

آماره‌ها متغیرها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره	چولگی	کشیدگی
توانمندسازی	۳۴۱	۵۹/۵۵	۹/۲۳	۲۹	۷۵	۰/۴۱۵	۰/۴۴۳
عوامل کالبدی	۳۴۱	۵۲/۷۵	۶/۳۴	۲۹	۶۰	۰/۶۴۷	۰/۳۲۵
عوامل اجتماعی	۳۴۱	۲۴/۷۶	۳/۹۰	۱۲	۳۰	۰/۳۸۱	۰/۱۰۶
عوامل اقتصادی	۳۴۱	۲۶/۹۹	۲/۹۶	۱۷	۳۰	۰/۷۰۵	۰/۲۶۳
عوامل حقوقی	۳۴۱	۱۷/۷۷	۲/۲۱	۱۰	۲۰	۰/۷۷۳	۰/۳۹۹

براساس نتایج جدول بالا، میانگین؛ متغیر توانمندسازی، عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی به ترتیب برابر با ۵۹/۵۵، ۵۲/۷۵، ۲۴/۷۶، ۲۶/۹۹ و ۱۷/۷۷ است و مقادیر چولگی و کشیدگی کمتر از $2 \pm$ حاکی از این هستند که داده‌ها پراکندگی چشمگیری ندارند، بنابراین توزیع داده‌ها نرمال است.

ب. یافته‌های استنباطی

رگرسیون چندگانه به منظور سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته انجام شد؛ از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون خطی، متغیرهای مستقل تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشتند، بر این اساس عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل کالبدی و عوامل حقوقی به ترتیب بیشترین اثر را بر متغیر وابسته توانمندسازی ساکنین داشتند.

جدول شماره ۳. تحلیل رگرسیون چندگانه

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	t	سطح معنی‌داری
	B	خطای معیار			
عوامل اجتماعی	۰/۳۷۲	۰/۱۱۹	۰/۲۱۷	۳/۱۳۹	۰/۰۰۲
عوامل کالبدی	۰/۲۰۰	۰/۰۹۹	۰/۱۵۱	۲/۰۱۸	۰/۰۴۴
عوامل اقتصادی	۰/۵۳۲	۰/۱۷۸	۰/۲۱۴	۲/۹۹۵	۰/۰۰۳
عوامل حقوقی	۰/۱۲۴	۰/۳۲۷	۰/۰۲۴	۰/۳۷۸	۰/۷۰۶

ضریب تعیین شده ^۳	ضریب تعیین ^۲	ضریب همبستگی چندگانه ^۱
۰/۲۶۲	۰/۲۷۱	۰/۵۲۱

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره می‌توان گفت ۲۷ درصد از واریانس متغیر گرایش به توانمندسازی ساکنین از طریق رگرسیون توضیح داده می‌شود و مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیده و چندبعدی بودن متغیر وابسته تحقیق یعنی توانمندسازی ساکنین و همچنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی که بر این متغیر تأثیرگذار بوده‌اند به‌عنوان پس‌مان و غیرقابل توضیح ارزیابی شده‌اند که نیازمند تحقیقات بیشتری است، تبیین نشده‌اند همچنین با توجه به ضرایب بتا متغیر عوامل اجتماعی با بتای (۰/۲۱۷)، عوامل اقتصادی با بتای (۰/۲۱۴)، عوامل کالبدی با بتای (۰/۱۵۱) و عوامل حقوقی با بتای (۰/۰۲۴) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. با عنایت به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه فرضیات زیر مورد تأیید قرار گرفتند؛

۱. عوامل اجتماعی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین باغ‌نشاط مؤثر است.
 ۲. عوامل کالبدی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط مؤثر است.
 ۳. عوامل اقتصادی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط مؤثر است.
- همچنین با توجه به این نتایج فرضیه زیر تأیید نشد؛
۳. عوامل حقوقی بر گرایش به توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط مؤثر است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

به‌طورکلی با عنایت به شیوه‌های نوین برخورد با اسکان غیررسمی در جهان و اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران و همچنین اصل سوم قانون اساسی جمهوری

¹ R

² R Square

³ Adjusted R Square

اسلامی ایران، مبنی بر ایجاد محیط مساعد رشد فضایل اخلاقی و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و اصل سی‌ویکم مبنی بر حق داشتن مسکن، متناسب با نیاز هر فرد و خانواده، رویکرد توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی رویکرد قابل‌قبولی است که باید در رأس تمامی اقدامات مواجهه با ساماندهی اسکان غیررسمی قرار گیرد. در این رویکرد تلاش می‌شود خدمات پایه و زیربنایی به‌منظور کاهش فاصله کالبدی از بدنه اصلی پدیدار شود و خدمات‌رسانی به‌گونه‌ای انجام پذیرد که زمینه رفع تبعیض و کاهش فاصله طبقاتی گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر مهیا شود. اسکان غیررسمی مجموعه‌ای از تنگناها و مشکلات و نیز قابلیت‌ها و امکانات را در خود و در کنار هم دارد که سیاست‌های کنونی در استفاده از امکانات نهفته آن برای فائق آمدن بر مشکلات موفق نبوده است، به‌عبارت دیگر این سکونتگاه‌ها فرصت‌ها و تهدیدات مختص به خود را در کنار هم دارند و می‌توان اذعان نمود روش‌های مداخله مستقیم بخش دولتی؛ از مداخله حذفی، تخریبی و پلیسی گرفته تا تولید مسکن، عرضه زمین و استانداردهای شهری وضع‌شده، تاکنون ناکارآمد بوده و در عمل نفعی برای کم‌درآمدترین اقشار جامعه نداشته است و برنامه‌ریزی‌های متولیان مسائل شهری تاکنون ناکام مانده است؛ بنابراین لازم است تمهیدات جدیدی در این زمینه اتخاذ شوند؛ تمهیداتی که از یک‌سو منجر به افزایش استحکام سازه‌ها و بهبود مناظر شهری شوند و از سوی دیگر آسایش و رفاه ساکنین چنین سکونتگاه‌هایی را در بر داشته باشند، در راستای پاسخ به این دغدغه رویکرد توانمندسازی با قابلیت ایجاد چارچوب‌های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی به‌منظور افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعات در حوزه توسعه مسکن، توانمندسازی بازار، توانمندسازی سیاسی، توانمندسازی اجتماعی و ... مطرح گردید و نتایج مطالعات گوناگون نشان می‌دهند که این الگو با موفقیت‌قرین بوده است هدف چنین دیدگاهی ایجاد زمینه‌های بهره‌برداری از توان و منابع محلی جوامع اسکان غیررسمی بوده است. عناصر مهم مورد توجه در این رویکرد شامل؛ مشارکت شهروندان، پاسخگویی مسئولین و افزایش ظرفیت سازمان‌های محلی است و بر این اساس توانمندسازی فرآیندی است که توان مشارکت جوامع کمتر برخوردار را در حفظ سلامتی و زیست‌بهتر شهری فراهم می‌نماید. اولین سند ملی توانمندسازی و ساماندهی

سکونتگاه‌های غیررسمی در سال ۱۳۸۲ و در ادامه در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه چهارم تا ششم بر اساس کمک‌های دولت و استفاده از توان ساکنین این مناطق مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت و مطالعات متعددی در این زمینه انجام شد که تا حدودی به بهبود وضعیت این مناطق کمک نمود. محله باغ‌نشاط که ورودی آن در گوشه‌ای از میدان مینودر قزوین قرار دارد به‌عنوان یکی از محلات اسکان غیررسمی شهر قزوین است که با عنایت به مشکلات مختلف؛ اجتماعی، اقتصادی، محیطی، کالبدی و منظر شهری نیاز به توجه جدی داشت که در این تحقیق مورد توجه و مطالعه تیم تحقیقاتی قرار گرفت، از همین رو محققین درصدد مطالعه تعیین‌کننده‌های توانمندسازی ساکنین اسکان غیررسمی این محله برآمدند. فقدان گذرپندی مناسب برای عبور وسایل نقلیه، نبود تأسیسات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی و رفاهی و تفریحی در سطح محله، فقدان شبکه زهکشی و دفع آب‌های سطحی حاصل از بارندگی برف و باران، عدم برخورداری واحدهای مسکونی از مصالح بادوام، سیستم ساختمانی مناسب، امکانات تأسیساتی و تجهیزاتی از جمله مسائلی بود که در بادی امر این محله را کاندیدای مناسبی جهت سنجش میزان تمایل ساکنین به توانمندسازی می‌نمود. همان‌گونه که در بخش یافته‌های تحقیق عنوان شد، نتایج پژوهش نشان داد، ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط، گرایش بالایی به توانمندسازی دارند که این امر می‌تواند پتانسیل بسیار خوبی در زمینه استفاده از توان ساکنین این محله محسوب شود. نتیجه پژوهش در این مورد با نتیجه پژوهش رهنما و یعقوبی (۱۴۰۱)، بابایی الیاسی و همکاران (۱۴۰۰)، کیانی سلمی و همکاران (۱۳۹۹)، محسنی (۱۳۹۷)، ربانی و همکاران (۱۳۹۵)، امین زاده (۱۳۹۶)، آقای (۱۳۹۵)، طرقی (۱۳۸۷)، کیم و همکاران (۲۰۲۲)، دو و همکاران (۲۰۲۱)، تانزیل (۲۰۱۸) همخوانی و مطابقت داشت. یافته‌های پژوهش نشان داد؛ عوامل کالبدی به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های توانمندسازی، در گرایش به بهبود وضعیت تأثیر بالایی دارند، از این منظر نتیجه این فرضیه از پژوهش با نتیجه پژوهش رهنما و یعقوبی (۱۴۰۱)، بابایی الیاسی و همکاران (۱۴۰۰)، کیانی سلمی و همکاران (۱۳۹۹)، محسنی (۱۳۹۷)، ربانی و همکاران (۱۳۹۵)، امین‌زاده (۱۳۹۶)، آقای (۱۳۹۵)، طرقی (۱۳۸۷)، کیم و همکاران (۲۰۲۲)، همخوانی دارند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد، عوامل اقتصادی به‌عنوان یکی دیگر از تعیین‌کننده‌های توانمندسازی، نقش بی‌بدیلی در افزایش گرایش به توانمندی ساکنین دارند، نتیجه این فرضیه از پژوهش با نتیجه پژوهش بابایی الیاسی و همکاران (۱۴۰۰)، کیانی سلمی و همکاران (۱۳۹۹)، محسنی (۱۳۹۷)، ربانی و همکاران (۱۳۹۵)، طرقی (۱۳۸۷)، آقایی (۱۳۹۵)، کیم و همکاران (۲۰۲۲)، کریوکی و همکاران (۲۰۲۱)، دو و همکاران (۲۰۲۱)، تانزیل (۲۰۱۸)، پینو و هارمیزیل (۲۰۱۳)، همخوانی دارند.

در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد؛ عوامل اجتماعی نیز در گرایش به توانمندی ساکنین اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط مؤثر بودند، بر این اساس نتیجه این بخش از پژوهش با نتیجه پژوهش‌های رهنما و یعقوبی (۱۴۰۱)، بابایی الیاسی و همکاران (۱۴۰۰)، کیانی سلمی و همکاران (۱۳۹۹)، محسنی (۱۳۹۷)، ربانی و همکاران (۱۳۹۵)، امین زاده (۱۳۹۶)، آقایی (۱۳۹۵)، طرقی (۱۳۸۷)، کیم و همکاران (۲۰۲۲)، دو و همکاران (۲۰۲۱)، تانزیل (۲۰۱۸)، همخوانی دارند.

در نهایت پیشنهادها برگرفته از نتایج تحقیق به‌منظور بهره‌برداری متولیان امر ارائه می‌شوند؛

۱- بر اساس نتیجه رابطه بین عوامل اجتماعی با گرایش به توانمندسازی پیشنهاد می‌شود که تأمین امنیت اجتماعی بالا، بهتر شدن وضعیت امنیت تردد در محله، بهبود سطح اجتماعی و فرهنگی نسبت به دیگر مناطق شهر، اجرای طرح کیوسک فرهنگی- اجتماعی، به‌منظور توسعه فرهنگی اجتماعی در میان ساکنین محله، بیشتر شدن میزان رضایت ساکنین از آرامش و آسایش محله، مشارکت همگی در امور محله در جهت بهبود امور اجتماعی محله، بیشتر شدن رابطه ساکنین به لحاظ وابستگی و رفاقت با همسایگان، تأمین امنیت اجتماعی و ... بر اساس نیازهای محله باغ‌نشاط قزوین صورت گیرد. این پژوهش در ابتدا با این هدف شکل گرفت تا گرایش ساکنین اسکان غیررسمی به توانمندسازی سنجیده شود، با عنایت به این‌امر که نتایج حاکی از تعلق مکانی بالای ساکنین است، همین‌امر میزان مشارکت و توانمندسازی در این محله را با سهولت بیشتری همراه می‌سازد و نشان می‌دهد مردم می‌توانند با فعالیت‌های مشارکتی در قالب

گروه‌های محلی مشکلات محله را رفع و به بهبود شرایط کمک کنند، بنابراین شایسته است که این پتانسیل عظیم مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد.

۲- بر اساس نتیجه رابطه بین عوامل اقتصادی با گرایش به توانمندسازی پیشنهاد می‌شود که حق سکونت در اسکان غیررسمی محله باغ‌نشاط به رسمیت شناخته شود، همچنین در این زمینه کمک‌های مالی بدون بهره و تشویق بخش خصوصی و عمومی به منظور بازساخت و مقاوم‌سازی سکونتگاه‌ها مد نظر قرار گیرد. ایجاد تعاونی‌های ساخت مسکن و نظارت بر آنها به منظور ایجاد مسکن پایدار و متناسب با توانایی اقتصادی ساکنین بسیار مؤثر خواهد بود. همچنین فراهم ساختن منابعی برای مشاغل کوچک، برگزاری کارگاه‌های مهارتی برای ساکنان محله به منظور افزایش مهارت‌ها و شناسایی استعدادهای شغلی افراد به همراه اعطای وام‌های بلندمدت با بهره پایین می‌تواند در توانمندسازی ساکنین محله مؤثر واقع شود.

۳- بر اساس نتیجه رابطه بین عوامل کالبدی با گرایش به توانمندسازی پیشنهاد می‌شود که؛ رسیدگی به وضعیت نابسامان کوچه و خیابان‌های محله با تأکید بر ساماندهی محله، اصلاح سیستم جمع‌آوری آب‌های سطحی و دفع پسماند جامد محله، استفاده از کاربری‌های شبانه‌روزی به منظور تأمین ویژه امنیت و جلوگیری از بزهکاری در محدوده باغ‌نشاط، تأمین زیرساخت‌های اساسی برای سکونتگاه‌های این محله از جمله مهم‌ترین آنها، افزایش سطح و سرانه کاربری‌های بهداشتی و آموزشی، بالا بردن کیفیت بنای ساختمان‌های محله در برابر حوادث غیرمترقبه از نظر ایمن و استحکام، بهبودی کیفیت معابر پیاده در محله، کمتر شدن اندازه فاصله‌ی مراکز خدمات آموزشی در محله باغ‌نشاط (مدرسه، مهدکودک و...)، بهتر شدن کیفیت نمای ساختمان‌های محله از منظر زیبایی بصری، بهبودی وضعیت ابعاد ساختمان‌ها و مسکن در این محله انجام شود. نظر به اینکه ساختمان‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی این محله در وضعیت استاندارد قرار ندارد و کالبد محله در مقایسه با سایر مناطق شهری، در وضعیت نامطلوبی قرار دارد، توجه متولیان امر به بهبود کالبدی محله، نقش بارزی در افزایش مشارکت ساکنین برای توانمندسازی خواهد داشت.

۴- بر اساس نتیجه رابطه بین عوامل حقوقی با گرایش به توانمندسازی ساکنین پیشنهاد می‌شود که تسهیل مراحل حقوقی و قانونی اخذ و واگذاری سند مالکیت به ساکنین محله، تمهیدات قانونی شدن اقامت و امنیت برای ساکنین محله، تدوین راهکارهایی در جهت گرفتن حق اقامت و واگذاری سند مالکیت املاک به ساکنین محله باغ‌نشاط انجام شود. بدیهی است که توجه به اعطای سند رسمی در این محله به‌عنوان محله پایلوت شهر قزوین می‌تواند از یک‌سو به افزایش تعلق‌مکانی ساکنین کمک نموده و از سوءاستفاده‌های آتی ناشی از بورس‌بازی زمین در این محله جلوگیری نماید و از سوی دیگر با رفع نواقص احتمالی این طرح در اجرای آزمایشی به سایر محلات اسکان غیررسمی شهر قزوین تسری یابد.

منابع

- ارزشنگی مستعلی بیگلو، حجت و محمدی، علیرضا (۱۳۹۴). انتخاب راهکار مناسب ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، فصلنامه چشم‌انداز مطالعات شهری و روستایی، دوره ۱، شماره ۱. صص ۶۱-۷۵.
- اسکندریان، غلامرضا و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۹۸). واکاوی نقش و اهمیت رویکرد توانمندسازی در مواجهه با اسکان غیررسمی از نگاه صاحب‌نظران و حرفه‌مندان، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۴(۱۱).
- ایران‌دوست، کیومرث (۱۳۸۸). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، تهران: نشر شهر
- ایمان‌پور، محمودرضا؛ شمس‌الدینی، علی و سرور، رحیم (۱۴۰۰). تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرقی ایران (مورد مطالعه: شهر بجنورد)، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، سال ۲، شماره ۱. صص ۹۲-۷۷.
- آقایی، حجت (۱۳۹۵)، امکان توانمندسازی در شهر مراغه (نمونه موردی میکائیل‌آباد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
- بابایی الیاسی، میلاد؛ پیریان کلات، امید؛ پیلهور، علی اصغر و زارع یرجی، مهرزاد (۱۴۰۱). «امکان‌سنجی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر پایه ادراک ذهنی در محله زورآباد شهر لوشان»، مجله توسعه فضاها‌ی پیراشهری، سال چهارم، شماره اول، صص ۶۷-۸۶.

- بابایی، اکرم؛ رجبی‌فر، بهناز و نظامی، سپیده (۱۳۹۰). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی: محله باغ‌نشاط شهر قزوین، ششمین کنگره سالانه عمران، معماری و توسعه شهری.
- پارتر، رابرت و ایونز، سلی لوید (۱۳۸۴). **شهر در جهان در حال توسعه**، ترجمه کیومرث ایران‌دوست، مهدی دهقان و م احمدی، تهران: انتشارات سازمان شهرداری و دهیاری‌ها
- پورافکاری، نصرالله و عسکر قنبری (۱۳۹۱). سازوکار توانمندسازی نیروی انسانی در مدیریت سازمان‌های ورزشی، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال چهارم، شماره ۳، صص ۲۵-۳۸.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ میرزایی، علی و حکیمی، هادی (۱۳۹۸). سنجش میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از خدمات ارائه شده مدیریت شهری (مطالعه موردی: محله پاسداران تبریز)، **فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی**، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۵۸۵-۶۰۳.
- پیران، پرویز (۱۳۸۱). اسکان غیررسمی مطالعه موردی شیرآباد، **فصلنامه هفت شهر**، سال سوم، شماره ۹.
- حاج یوسفی، علی (۱۳۹۱). حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، **نشریه هفت شهر**، دوره ۱، شماره ۸، صص ۲۴-۱۲.
- دریاباری، سید جمال‌الدین و لطفی، حیدر (۱۳۹۰). مدیریت و سازماندهی اسکان غیررسمی در شهر بندرعباس، **مجله جغرافیایی سرزمین**، دوره ۸ شماره ۱، صص ۹۲-۷۹
- رستم‌زاده، مرضیه (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی به‌منظور توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی شهر بندرعباس محله آیت‌الله غفاری
- رستم‌زاده، یاور (۱۳۹۱). ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در محلات شهری با بررسی نگرش ساکنین محلی؛ مورد پژوهی: محله توحید؛ شهر بندرعباس، **مدیریت شهری و روستایی**، شماره ۲۸.
- رهنما، محمدرحیم و یعقوبی، مزگان (۱۴۰۱). توانمندسازی سکونتگاه غیررسمی شهرک شهید رجایی مشهد، **مجله مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای**، دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۸، تابستان ۱۴۰۱.

- رفیعیان، مجتبی؛ خدائی، زهرا و داداش‌پور، هاشم (۱۳۹۲). ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به‌مثابه‌ی رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۲، صص ۱۳۳-۱۶۱.
- روزنامه شرق (۱۴۰۲). مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی وضعیت حاشیه‌نشینی در کشور را بررسی کرد، دوم‌آبان ۱۴۰۲.
- سرور، هوشنگ؛ امین‌زاده، سیامک. (۱۳۹۸). تبیین علل شکل‌گیری اسکان‌های غیررسمی و ارائه راهکارهای بهینه جهت ساماندهی آنها (مورد مطالعه: محله علی‌آباد بوکان)، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، سال ۲، شماره ۳. صص ۱۷-۴۲.
- سلمی کیانی، صدیقه، محسن شاطریان، حامد صفری (۱۳۹۹). شناسایی عوامل تسهیل‌کننده‌ی توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین شهر اصفهان (مطالعه موردی: محله عاشق‌آباد)، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره‌ی ۸، شماره ۱، صص ۱۶۱-۱۹۲.
- شاطریان، محسن و امیر اشنویی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کاشان، فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص ۱۵۹-۲۸۰.
- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۹۲). بررسی سیر تحول اسکان غیررسمی با تأکید بر ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- شکوئی، حسین (۱۳۸۲). فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، گیتاشناسی
- صرافی، مظفر (۱۳۸۷). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در پرتو حکمروایی خوب شهری، فصلنامه هفت شهر، دوره ۲، شماره ۲۴، صص ۴-۱۳.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹). جهانی‌شدن شهر و شهری‌شدن جهان، طرح مسئله‌ای برای جنوب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵، صص ۱۶۷-۱۶۴
- صفرآبادی، اعظم؛ مؤیدفر، سعیده؛ وارثی، حمیدرضا و بلاغی، رسول (۱۳۹۵). رویکرد توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای موردشناسی سکونتگاه غیررسمی حسن‌آباد یزد، جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۶ (۱۹)، صص ۲۳۰-۲۱۶.
- محسنی، رضاعلی (۱۴۰۰). شهر و مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر روش‌های ساماندهی و توانمندسازی آن مورد مطالعه شهر ساری. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۳ (۲).
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.

- قادم‌مرزی، حامد؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمشیدی، معصومه و داود، جمینی (۱۳۹۲). اولویت‌بندی چالش‌های اسکان غیررسمی با استفاده از تحلیل سلسه‌مراتبی (AHP)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره دوم، شماره ششم.
- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر (۱۳۷۵)، **شهرها، فقر و توسعه**، ترجمه پرویز کریمی ناصری، شهرداری تهران، ۱۹۲.
- محمدی، سیدهدایت؛ حبیبی، داود؛ نوروزی فرد، هاشم و نویدی نیا، سجاد (۱۴۰۱). تبیین راهکارهای اثربخشی و توانمندسازی سرمایه انسانی در افزایش کارایی و بهبود عملکرد شهرداری‌ها، **مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای**، دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۸، صفحات ۸۸-۸۳.
- محمدی، علیرضا (۱۳۸۸). ظرفیت‌سازی اجتماع‌محور: پشتوانه ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، **مجله هفت شهر**، دوره ۲، شماره ۲۹. صص ۱۱۳-۹۷.
- مشکینی، ابوالفضل؛ سجادی، ژیلا؛ دین‌دوست، جواد و تفکری، اکرم (۱۳۹۰). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با شیوه توانمندسازی نمونه موردی محله بابا جعفری، **تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۱۰۲، صص ۱۴۸-۱۲۳.
- هاشمی، حسین (۱۳۸۰). ساماندهی فضایی-کالبدی هادی‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری
 - Abouelmagd, S. A. S. (2020). The Rehabilitation of Slums and Informal Settlements in Greater Cairo: Applying a Livelihood Perspective to Evaluate Existing Policy and Implementation Approaches. Technische Universitaet Berlin (Germany).
 - Abrams, C. (1964). Man's struggle for shelter in an urbanizing world (No. 2). MIT Press (MA).
 - Baye, F., Wegayehu, F., & Mulugeta, S. (2020). Drivers of informal settlements at the peri-urban areas of Woldia: Assessment on the demographic and socio-economic trigger factors. Land Use Policy, 95, 104573.
 - Gilbert, A. (1994): The Latin America cities. Latin America Bureau, London Publisher.
 - Gilbert, A. (2005). Book review: the challenge of slums: global report on human settlements 2003. Progress in Human Geography, 29(1), 118-120.
 - Ha, s-k (2007), Housing Regeneration and Building Sustainable low-income communities in korea, Habitat International, 31, pp 116-129.

- Habitat, U. (2016). Urbanization and development: emerging futures. World cities report, 3(4), 4-51.
- Hoyt-Oliver, J. (2020). Communities and the Kingdom: An Introduction from the Editor-in-Chief. Social Work & Christianity, 47(3).
- Janeiro, Sinha, Abhijat (1995), Community development for effective slum upgrading; case study: Indore Habitat Project, Indore, India, School of Architecture McGill University, Montreal, March.
- Kanaskar, M. (2016). Urban health: Participation of the urban poor and communication. Journal of Health Management, 18(3), 381-400.
- Keivani, R. & Werna, E. (2001). Modes of housing provision in developing countries. Progress in planning, 55(2), 65-118.
- Kretzmann, J. and Mcknight, J., 2003, Building Communities From the Inside Out: A Path Toward Finding and Mobilizing a Community's Assets, Chicago, IL: ACTA Publications.
- Dev & et al (2021). "Patterns of Inclusion and Exclusion in Informal Slum Upgrading: The Case of Guwahati, India", "Urban Science". number 3. Pp 1-22.
- Kariuki. E. & et al. (2021). "Land tenure security and informal settlement upgrading: The case of Nairobi, Kenya". "Cities" .no. 118, pp 1-10.
- Mehrolhasani, M. H., Yazdi-Feyzabadi, V., & Ghasemi, S. (2021). Community empowerment for health promotion in slums areas: A narrative review with emphasis on challenges and interventions. Journal of Education and Health Promotion, 10.
- Mishra Aneil & Gretchen M. Spreitzer (1997), "Survivor Responses to Downsizing: the Mitigating Effects of Trust and Empowerment"; Southern California Studies Center. Quinn, Robert E. & Gretchen M. Spreitzer.
- Montoya, PHillip j. (1991). *Social and Cultural Capital: Empowerment for Sustainable Development in The Mountains of ESCAZU, COSTA RICA*, The University of New Mexico, Albuquerque, NM 87131.
- Narayan, D, (2002): Empowerment and Poverty reduction; a source book, the World press.
- Okech, V. Neszméry, Š., & Mačkinová, M. (2020). EMPOWERING THE MARGINALIZED THROUGH

COMMUNITY WORK: A LITERATURE REVIEW. Proceedings of CBU in Social Sciences, 1, 173-178.

- Payne, G. K. (1977). Urban housing in the Third World. Routledge Kegan & Paul.
- Pino, A.; Hormazabal, N. (2013). Informal settlements reinterpreting, rural imaginary in urban areas: the case of Valparaiso's ravines, Habitat International, vol.51, pp. 511-515
- Rana, M. M. P., & Piracha, A. (2018). Supplying water to the urban poor: Processes and challenges of community-based water governance in Dhaka city. Management of Environmental Quality: An International Journal.
- Sheuya, S. A. (2008). Improving the health and lives of people living in slums. Annals of the New York Academy of Sciences, 1136(1), 298-306.
- Spreitzer, Gretchen M. (2005) "Psychological Empowerment in the Workplace: Dimensions, Measurement and Validation"; The Academy of Management Journal, Vol. 38 No. 5
- Tanzil, Tanzil. (2018). *Community Empowerment Strategy Based on Social and Cultural Capital of Coastal Communities at Makassar Island*. IOP conf. Ser.; Earth and environ. SCI. 156 012052.
- Turner, J. (1969). Uncontrolled urban settlement: problems and policies in G. Breese (ed.) The city in newly developing countries: readings on urbanism and urbanization.
- Ali, H. et al(2022). "Community Participation in Informal Settlement Upgrading: Importance, Barriers, and Supportive Mechanisms in Egypt, "Sustainability.no 4, pp 1-21.
- Kim, W. et al (2022)."Citizen Inclusion in Post-Disaster Informal Settlement Upgrading: The Case of Colombo, Sri Lanka", "Sustainability".no 2, pp 1-14.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Advances in Sociological Urban Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

